

خاکی که گرم است

کارکردهای شهادت در ایران پساانقلابی

امیررضائی پناه | **مدرس دانشگاه و کارشناس مسائل ایران**

مشروعیت و مقبولیت در ایران پساانقلابی ترکیبی و دو بنی است. این موضوع اگرچه در همه ادوار دولت‌گری و زمامداری در ایران وجود داشته، اما در این دوران به واسطه انقلاب اطلاعاتی و چیرگی روح سکولاریسم در بافتار جهان، شاخص‌تر و پررنگ‌تر است. در حقیقت، ایران پساانقلابی در دورانی که غالباً نظریات ژنالیستیک و واقع‌گرایانه نظم هژمون در جهان را تفسیر می‌کنند، مباحث هنجاری و باورداشتی را بار دیگر مطرح کرده است. شاید همین موضوع نیز روی برآمدن نظریات هویت پایه و هنجاری همچون سازه‌انگاری در روابط بین الملل مؤثر بوده است. رویکرد هویت پایه و هنجاری در ارتباط با عرصه سیاست نه تنها در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی، که در درون کشور نیز از سال ۱۳۵۷ متفاوت از دوران پیشین برجسته شد. انقلاب اسلامی سرآغازی برای ترویپ دگرباره منطقی هویت دین‌پدای شد که از یک سو پا در زمین مادیت داشت و از سوی دیگر سر بر آسمان فراماده و متافیزیک. این دو حوزه هرچند با نسبت‌های گوناگون، به موازات یکدیگر در طول عمر جمهوری اسلامی به پیش رفته‌اند. در فهم دین‌گنان انقلاب ایران، جهان عرصه یک نبرد تاریخی و ابدی است. در یک سوی این میدان جبهه حق و جندالله قرار داشته و در سوی دیگر جبهه باطل و جندالشیطان. این دو نیرو در نبردی همیشگی قرار داشته و پیروزی نهایی با نیروی حق و حقیقت است. در جهان و ساختار بین‌المللی کنونی، این دوگانه خیر و شر، خود را در چهارچوب دو جبهه مستکبر– مستضعف یا سلطه‌گر– سلطه‌ستیز خود را به نمایش می‌گذارد. در این میان رسالت ما مبارزه در راه احقاق حقوق مستضعفان و مبارزه و مقاومت در برابر مستکبران و مسلطه‌گران است. نمود نظام سلطه در جهان کنونی در سطح جهان آمریکا و در سطح منطقه‌ای اسرائیل است. در این عرصه مبارزه و مقاومت و در میان مبانی فرامادی مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران، مفهوم شهادت شاید بالاترین و کانونی‌ترین مفهوم باشد. شهادت در الهیات سیاسی شیعی بالاترین مرتبه تحمل «رنج قدسی» یا «رنج مقدس» است. در

روایتی از ساعات نفس گیر جست و جو برای یافتن بالگرد رئیس جمهور

شب، سکوت، جنگل

حامد خسروشاهی **خبرنگار**

من عاشق جنگلم. عاشق قدم‌زدن در جنگل آن هم در سکوت محض. ازدیهبشت باشد و زمین زیرپایت هم که سبز، می شود نور علی نور. باران ببارد و پانچو پوشیده باشی، کتانی‌ها با کوبویی و بروی؛ هر از گاهی صدای پرنده‌ای یا شُرشُر آبی در گوشه‌ای این سکوت را بشنود. قدم داخل تکه‌های ابر بگذاری و نم را روی صورت احساس کنی. شب مانی در جنگل هم که تازگی هایک تفریح پاکلاسی شده.
شُـب بود و تاریکی مطلق. ابرها جلوی ماه را گرفته بودند. قلمب داشت از جا در می‌آمد. خودم را رسانده بودم پشت معدن مس و جنگل‌های پیراودود یا به قول محلی‌ها «حسن‌مشه‌سی، با بکت‌شولاور سمره‌ای‌م که هفته پیش خریدم بودم و کفش‌های وینی پلخورمی، با بدون اینکه وقت لباس عوض کردن و کفش عوض کردن داشته باشم خودم را به آنجا رسانده بودم. حتما در حالت عادی به هرکسی بگوئی با این کفش و لباس می‌خواهم بزنم به جنگل در عقداش شک می‌کرد. گروهی از بچه‌های بسیج پایوتین‌های سیاه یا خاکی و شلوار پلنگی یا پیکسلی و بارانی‌های سمره‌ای (رنگ‌های دیگری هم بود به گمانم، همراه گروهی از بچه‌های هلال‌احمر یا کاپشن‌های معروف نورث‌وس، کوله بر دوش و کفش‌های مخصوص کوهنوردی به پایا که خبر دارم در دیجی‌کالا چند میلیون قیمت می‌خورد)، می‌خواستند از سینه‌کش کنار جاده روستایی وارد جنگل

شدند. صدایی را از جمع شنیدم که من را اسم کوچک صدا زد. حاج محسن بود. به گمانم همین چند هفته پیش او را در ستاد انتخاباتی حاج‌آقاآل‌هاشم برای انتخابات خبرگان دیده بودم؛ با بچه‌های بسیج محله آمد بود. چند دشتبان کارزنده منابع طبیعی در حال تشریح جنگل و منطقه پیرامونی برای جمع بودند. عبدالله شادی فرمانده جمع بود. جمع ۹۹ نفری را شش گروه پنج نفری کرد. دویدم کنارش و گفتم من پنجمی آن گروه چهار نفره، گفتم با این کفش و لباس؟ گفتم باید بیایم حاج عبدالله، مواظبم. به نفر کناری‌اش گفتم از ساک من داخل ماشین کاپشن را بیاورو بده به حامد. در همان چند دقیقه هم سردم شده بود. از روی همان کت سمره‌ای کاپشن هرمنگش را پوشیدیم و کلاهش را کشیدم سرم و در یک راه افتادیم. فرمانده گفت تا یال جنوبی بزرگه در یک خط می‌رویم و آنجا گروه گروه می‌شویم.

سبزه‌های خود رو پیر پاله می‌شدند و بیشان تا عمق جان بالای‌امد. آه که چه ذوقی می‌کردم اگر در موقعیتی بهتر و تعطیلات آخر هفته در چنین موقعیتی قرار می‌گرفتم؛ مثل پارسل که اقامه‌ی نوره‌حمدلاده دیدم. شد و آمدیم به شب مانی در همین جنگل. بنده خدا از ترس حیوانات وحشی شُب را آتش روشن کرد و بیدار ماند و ما در چادر خوابیدیم. بادم افتاد یک ساعت پیش کتار جاده، امیر ارتش داشت به سربازانش می‌گفت این جنگل گراز و گرگ و خرس دارد و مواظب باشن. نگارنی‌ام بیشتر شد برای گمشده‌هایی که داشتیم دنبال‌شان می‌گشتیم. صدای بچه‌ها بلند شد به فریاد:

تشییع شهدای خدمت و بیم وامید انسان ایرانی

حاصل از این تغییرات بنیادین، بیم‌هایی را نیز به ارمغان می‌آورد. تاریخ به ما آموخته مواجهه با این بیم‌ها و حفظ و تلاش برای تحقق امیدها کاری بس دشوار است. این وضعیت در مورد انقلاب اسلامی به واسطه نقطه‌ای که در آن متولد شد، بسیار سخت‌تر و سنگین‌تر است. آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی‌ها کلیشه‌ها را به رخ دین‌داری کشید؛ دین و دنیا را درکنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و مستم و انکش نشان دهند. چپ و راست مدزینته، از نظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن را که بسیاری از آنها در نوع خود اولین بوده‌اند را آزموده‌اند.

در میانه‌بیم‌هایی که محصول تکنونی انقلاب اسلامی به‌مثابه صورت‌اراده جمعی انسان ایرانی است، جلوه‌هایی رخ می‌نماید که آرمان‌ها و امیدهای انسان ایرانی را البته‌اتابه خود او و سپس به دیگری این انسان ایران تذکر می‌دهد و همچون عاملی برای بسیج عمومی انسان ایرانی برای استمرار حرکت به‌سوی آینده، عمل می‌کند. مساله مهم آن است که امیدهای انسان ایرانی در ذیل انقلاب اسلامی استثنا و کورسو نیست، بلکه به دلیل ویژگی متعالی که دارد، مدام قابل بازتولید و درخشش است، بلکه هر گاه در مقطعی کوتاه‌بیم‌های امیدها سایه افکنده به دلپلی بیرون بوده که نباید اذراست. رهبر این انقلاب، خود در ترمیم کلان این وضعیت چنین می‌گوید: «شعراهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، فعالیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشند و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مرمزی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دست دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها».

امید آن است که بااستعانت از عهده‌داران متعال در بزناهمه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تقنین‌ها، امیدها تقویت و بیم‌ها کاهش یابد.

بیا از بیم و آ امید بگذر...

بیا از هرچه جز توحید بگذر...

«دگذشت شهادت‌گونه» سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، در پی سانحه هوایی سرنگونی بالگرد در اردیبهشت ۱۴۰۳ بار دیگر مفهوم شهادت و شهادت را در بالاترین سطح ممکن در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران برجسته کرد. اصطلاحات و تعبیری همچون «شهدید جمهور»، «شهدید خدمت»، «شهدید راه خدمت»، «شهدید خادم الرضا (ع)» و... در زمره مواردی بود که برای هشتمین رئیس جمهور ایران پساانقلابی به کار برده شد. جدای از مبانی و مبادی الهی، فرامادی و قدسی مفهوم شهادت، به‌ویژه در ارتباط با سیدابراهیم رئیسی، شاید بتوان مواردی از این دست را به‌عنوان عناصر کارکردی سیاسی– راهبردی و اجتماعی (در خوانش رسمی نظام جمهوری اسلامی برکات خون شهید) در دو سطح داخلی و خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) در نظر گرفت:

کارکردها در سطح سیاسی– اجتماعی داخلی:

– بازتولید مشروعیت فرامادی و الهی ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران
– بازنمایی و برجسته‌سازی دگرپاره شعارهای انقلاب اسلامی
– تقویت ابعاد نمادگرایی و سمبلیسم تشیع انقلابی
– برجسته‌سازی مظلومیت و بی‌گناهی شهید (مظلومیت در عین اقتدار)
– تحکیم همبستگی، اتحاد و انسجام ملی
– بازتعریف و بازشناسی مرزهای هویت ملی (خود و دیگری)
– تقویت روح حماسه و غرور و افتخار ملی و انقلابی
– بی‌اعتبارسازی خوانش‌ها و روایت‌های ناظر بر رفا طلبی و تجمل‌گرایی مسئولان نظام اسلامی

– مدیریت افکار عمومی و مقابله با جریان رسانه‌ای اپوزیسیون

– ترمیم و التیام برخی کژکارکردها و سوء مدیریت‌های موجود

کارکردها در سطح سیاسی– راهبردی خارجی:

– بسط دیپلماسی احساسی یا عاطفی برای جمهوری اسلامی ایران

آقای رئیسی! حاج‌آقاآل‌هاشم! حاج‌آقاآل‌حاج‌آقا...

چندکیلومتر تادل جنگل رفته بودیم و برپام عجیب بود که موبایل هنوز آنتن دارد. حتی اینترنت گوشی‌مم گرچه ضعیف اما آنتن داشت و چندفایلم هم فرستادم برای دوستانم در تهران. خبر داشتیم که موبایل حاج‌آقاآل‌هاشم هم آنتن دارد و چند تماس تأیید‌شده داشته‌اند. همین امید را زنده نگه داشته بودم و در فکر همه آنهایی که زده بودند به دل جنگل. رسیدن کنار تن‌های زخمی بود. رسیدیم به اول پرتگاه، دشتبان‌ها از سخنی مسیر گفتند و از آنهایی که تجهیزات به همراه نداشتند، خواستند مسیر را به سمت راست و هموار ادامه دهند. گروه دو دسته شد. سیاهی مطلق بود. من با همان کفش‌های پلخورزی که آب کشیده‌بود، نشستم کنار چند نفری که دم یا حسین یا حسین، یا‌نارالله، گرفته بودند. نور چراغ‌قوه‌پیشانی (دلالت)، یکی از بچه‌ها تنها نور آن سیاهی مطلق بود. یکی سیگار روشن کرد و نور آتش نوک سیگار هم اضافه شد. دوستان از تهران تماس گرفتند که هیچ‌کس نخواهد بود، همه‌های تلوپلوریز هستند. اگر می‌توانی یک ارتباط تلفنی باشی که ۲ نفر قرار کنیم. بله را گفتم و راهم که رسیدیم بود به سربالایی رابیش گرفتم. دوستان پشت سرم که کفش‌هایم رامی دیدند، هولیم را داشتند. گوشی زنگ خورد و پیش شماره ۰۹۸۸۱ افتاد فهمیدم که تماس معهود است. مجری ولادت امام‌رضاع) را تری‌ریک‌گفت و آواز آخرین خبرها پخشید. گفتم که پنج شش کیلومتر در دل جنگل به سمت روستای «اوزی» هستم و مشغول جست‌وجو. نفس نفس زدم ملموس بود و مجری خواست

مواجهه بالحظه مرگ

نمود آن امر است، این دست از معانی، به لحاظ شدت وجودی و قدرت جمع‌کنندگی دارند، و این قدرت جمع‌کنندگی در تشییع خون‌انمایان می‌سازد. هر چقدر تشییع و بازتولید حزن سنگین‌تر باشد، حکایت از قدرت آن لحظه معنایی دارد. شهادت رئیس جمهور و تشییع آن از این نوع لحظات وجودی است که معنای پرقدرت و جمع‌کننده خود را با تولیدیادش.

نتیجه‌بعبد اینکه هر انسانی نمی‌تواند نوع مواجهه با مرگ را از تمامی ابعاد انتخاب کند؛ نحوه زندگی و برخی از این وجوه مواجهه راممکن می‌سازد؛ برخی دیگر از این وجوه مواجهه از دسترس انسان و انتخاب وی بیرون است. شهادت از جمله این امور است. زندگی شهادت‌گونه برخی از این وجوه را ندارک می‌کند. برخی دیگر، از دسترس خارج است. انسان شهید، موازنه روابط انسانی راه هم می‌ریزد. به دلیل نوع مواجهه با مرگ، این موازنه به هم می‌ریزد و نوع روابط انسانی در آستانه قرار می‌گیرد و امکان و قابلیت جدیدی برای نحوه روابط انسانی می‌سازد. آستانه، خارج شدن از وضعیتی و قرار گرفتن در امکان جدید است؛ البته باید توجه داشت که آستانه‌های مختلفی وجود دارد، ساحت و قدرت آن را نحوه مواجهه با مرگ متعین می‌سازد.

نتیجه دیگر، از آنجا که انسان مدرن زمان را با پول گره زد و داعیه (وقت، طلاست، نسبت جدیدی بین زمان و پول قرار داد؛ این نحوه مدرن از زمان به واسطه امر شهادت در انقلاب اسلامی به چالش عظیمی مبتلا شد. شهادت این نحوه از روابط مدرن زمان و پول را واسازی کرد. زمان در مواجهه بالحظه مرگ شهید، بلکه تقاروت‌ها و اختلاف‌های مختلف جدیدی با مرگ یکسان نیست، بلکه تقاروت‌ها و اختلاف‌های مختلف به لحاظ قوت و مقدار تکوین می‌شود. از این رو هر چه در این نوع مواجهه، معنای قوی‌تر به لحاظ شدت وجود، تکوین یابد، نیروی مؤثر خاص خود را با قویتری خواهد کرد. از این رو، میزان تأثیر این هستی در محیط زندگی، قابلیت آن نحوه خاص از وجود را نشان می‌دهد و نماد و

آگهی مزایده عمومی

کارت شناسایی معتبر و همچنین گواهی واریز مبلغ دو میلیون ریال (غیرقابل استرداد) به شماره حساب ۰۱۴۴۴۳۰۳۰۰۰۰ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم نزد بانک ملی همراه داشتن فیش واریزی نسبت به خریداری اسناد مزایده اقدام نمایند.

۱- بهای پایه فروش واحدهای مسکونی مطابق لیست ضمیمه اسناد مناقصه می باشد.

۲- مساحت هر واحد تجاری و یا مسکونی بر اساس مترآژ ذکرشده

در سند رسمی تک‌برگ هر واحد می باشد.

۳- شرکت‌کنندگان در مزایده معادل هفتصد و پنجاه میلیون ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مزایده هر واحد به شماره حساب

- زمینه سازی برای رفت وآمد هیات های اجرایی

- بسط دیپلماسی های نوین جمهوری اسلامی ایران به ویژه دیپلماسی عمومی، فرهنگی، رسانه ای و...

- تقویت دیپلماسی سنتی و رسمی جمهوری اسلامی ایران

- تقویت جایگاه هنجاری ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای

- بسط قدرت نرم جمهوری اسلامی در محور مقاومت، جهان اسلام و فراتر از آن
- تحت تأثیر قرار دادن فضای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه ای - برجسته سازی و افشای ابعاد ظالمانه و غیرعادلانه ساختار و نظام بین‌الملل (به ویژه در زمینه عدم واگذاری ادوات و قطعات به رورز هواپیما و هلی‌کوپتر)
- ایجاد شکاف در بلوک غرب (حتی در رابطه با صدور یا عدم صدور پیام تسلیت)

شهادت در تشییع انقلابی تداوم خط سرخ کربلا و واقعه عاشورا تلقی می‌شود. شهادت تا عصر ظهور و آمدن منجی موعود (عج) توانی دارد. شهید نظرکرده خداوند و فردی برگزیده است. در ایران پس از انقلاب، به ویژه در نتیجه دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی هشت‌ساله ایستار شهادت تعین یافته و بازتعریف شد. این موضوع در طول بیش از چهار دهه عمر انقلاب اسلامی در موارد دیگری همچون شهیدای گمنام، مدافع حرم، امنیت، سلامت، حجاب و عفاف و... بازتولید شده است. در معنای بسطی موجود، شهید به هر شخصی گفته می‌شود که در نه تنها در صحنه جنگ و دفاع نظامی، بلکه در هر عرصه مربوط حفظ گنتمان انقلاب اسلامی و موازین ملی و انقلابی جان خود را داده باشد. در این خوانش، خاک این جانب‌اختگان نه سرد، که پیوسته گرم و در فراتر رسمی زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود (عج) است. این شهدا نه صرفاً شهدای ایران و تشییع، که شهدایی برای اسلام، حقیقت و بشریت بازنمایی می‌شوند. کاربست مفهوم شهادت در باب شخصیت‌های همچون سیدابراهیم رئیسی دارای کارکردهای عینی و ذهنی بی‌شماری همچون موارد پیش‌گفته است که ساختارهای مادی و غیرمادی سیاسی و اجتماعی ایرانی را تحت‌الشعاع قرار داده است.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۱۵۲

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

فرهیختگان

سازمان آگهی های روزنامه

تلفن و فکس:

۰۶۲۹۹۹۴۹۵

ایمیل: a۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY